

آخوندی و نجفی به جلسه کمیسیون عمران نرفتند

صفحه ۳



صدور ۴۱ کیفرخواست علیه قضات تهرانی در سال جاری

صفحه ۵

تیت‌های امروز

انیمیشن «فیلشاه» روز اول جشنواره را از رکود خارج کرد

نجات فیلشاهی

یک انیمیشن خوش‌ساخت و کودک‌پسند کارگردان فیلشاه در نشست خبری: همه بچه‌ها را فراموش کردند

«جاده قدیم» ضعیف‌ترین فیلم جشنواره گلی به گوشه جمال عماد فروشنده!



صفحه ۱۳

روسیه متعهد به فروش ۵۰۰ جنگنده به ایران شد

میگ‌ها در راهند؟

صفحه ۲

دم خروس «مامور» بیرون زد

حمایت وزارت خارجه آمریکا از کشف حجاب در ایران

صفحه ۲

ستاد اجرایی فرمان حضرت امام (ع) اعلام کرد

ساخت هزار مدرسه تا سال ۱۴۰۰

صفحه ۱۶



بزن بزن

انتشار اسناد کنگره درباره همکاری اف بی آی و دموکرات‌ها علیه ترامپ جنگ قدرت در واشنگتن را وارد مرحله جدیدی کرد

رئیس اف بی آی تهدید به استعفا کرد

صفحه ۱۵

نگاه امروز

دو تابعیتی بودن یک مدیر یعنی چه؟

حمید افراسیابی

امام علی (ع) در عهدنامه مالک اشتر نسبت به کارگزاران خائن چنین دستور می‌دهند: «لاگر یکی از آنان دست به فریب‌زدی و گزارش بازرسان تو هم آن خیانت را تأیید کرد، به همین مقدار گواهی قناعت کرده، او را با تازیانه کیفر کن و آنچه را که از اموال در اختیار دارد از او بازپس گیر، سپس او را خوار دار و خیانتکار بشمار و قلاهد بنامی به گردنش بیفکن.»

دو تابعیتی بودن یک مدیر چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟! آیا برای سفر تفریحی و تحصیلی و درمانی به کشورهای دیگر، نیاز است که حتما تابعیت آن کشورها را داشت؟! یا اینکه تلاش برای کسب تابعیت دوم برای سواد دیگری است؟! دو تابعیتی بودن یک مدیر و نه شهروندان معمولی از اساس نوعی «خیانت آماده به ارتکاب است»، چرا که مستلزم این مناسبت است که مدیر رده‌بالای مملکت، تصویری از آینده خود و فرزندان‌ش ترسیم کرده است که برای تحقق آن الزاما باید تابعیت یک کشور توسعه‌یافته را اخذ کند. هر تصویری از آینده که به چنین الزامی ختم شود، از جهت گوناگون خائنه است. به طور خلاصه در چنین تصویری یا آینده ایران نامطلوب پیش‌بینی شده است یا مدیر مورد نظر در حال انجام کارهایی است که دیر یا زود برای او تبعات سنگینی خواهد داشت و نیاز است برای سر بزنگاه، از پیش آماده باشد. حالت اول یعنی ترسیم آینده خود و خانواده در کشوری دیگر، چه تبعاتی به لحاظ مدیریتی می‌تواند داشته باشد؟! چنین مدیری چه میزان انگیزه کار و خدمت به مردم خواهد داشت؟ شما تصور کنید کشور سال‌ها برای یک مدیر هزینه کرده اما مدیر مربوط به دنبال ساختن آینده خود و خانواده‌اش در وطن دومش بوده و حتی زیر پرچم دوشم سوگند خورده است! این گریز آیا چیزی جز خیانت است؟ خیانتی که گویی بر سر میزان انگیزه کار و دولتی به‌واسطه تابعیت دوگانه‌ای که دارند، آماده ارتکاب آنند. در حالت دوم که ناشی از دست داشتن در روندهای غیرقانونی (ترا) بهره‌مندی مالی است، اثبات خیانت بسیار راحت‌تر خواهد بود. مثلا مدیری که همین چند روز پیش، بیش از ۱۰۰ میلیارد تومان از پول وزارت نفت را بالا کشید و به کانادا گریخت را چه توصیفی غیر از خیانت سزاوار است؟! ادامه در صفحه ۵

یادداشت امروز

یکم - جوزف استیگلیتز

برنده جایزه نوبل اقتصاد، اقتصاددان ارشد بانک جهانی، استاد دانشگاه کلمبیا و نویسنده کتاب «سقوط آزاد» که در این کتاب با انتقاد از وضعیت کنونی اقتصاد جهان، نظریه سقوط آزاد «علم اقتصاد» (نه صرفا اقتصاد جهانی) را مطرح می‌کند، در کتابی دیگر با عنوان «بهای نابرابری» نشان می‌دهد جهانی سازی تجارت و بازار سرمایه که طبق نظریه ناپولیال‌ها، هر دو به کاهش نابرابری در جامعه کمک می‌کنند، در رشد نابرابری نقش داشته‌اند. استیگلیتز در این کتاب تشریح می‌کند جهانی شدن منجر به کاهش دستمزدها شده است، زیرا با سرمایه پویا و دستمزد پایین، شرکت‌ها می‌توانند بسادگی با کارگران چانه‌زنی کنند. او همچنین نظریه «بهره‌وری نهایی» را نیز زیر سؤال می‌برد، نظریه‌ای که مطابق آن کاهش که بیشتر از «کیک اقتصاد» دریافت کرده‌اند، الزاما آنهایی هستند که بیشتر کار کرده‌اند، زیرا نقش بیشتری در جامعه ایفا کرده‌اند اما طبق نظر استیگلیتز، کسانی که مبنای جامعه مدرن ما شده‌اند، بسیار کمتر از نقشی که ایفا کرده‌اند سهم برده‌اند و بالعکس نوابغ مالی جهان که جهان را به لبه پرتگاه برده‌اند همه چیز را درو کرده‌اند و یک‌درصد جمعیت ثروتمند آمریکا همان‌هایی هستند که درآمد خود را با تلاش‌های عمده بقیه جامعه کسب کرده‌اند.

او با ارائه مستندات توضیح می‌دهد بر خلاف گفته نئولیبرال‌ها که معتقدند ایجاد نابرابری، لازمه رشد و توسعه است، اتفاقا در دوره افزایش نابرابری، رشد کندتر بوده است. نئولیبرال‌ها معتقدند با جریان تجارت آزاد و بازار آزاد، هر چند فقر نسبی افزایش می‌یابد و این مساله ناگزیر است! ولی فقر مطلق کم می‌شود، یعنی با بزرگ‌تر شدن کیک اقتصاد که نتیجه بازار آزاد است، حتی با وجود شکاف طبقاتی، همه پولدارتر می‌شوند. اما جوزف استیگلیتز در کتاب نشان می‌دهد با ترویج نئولیبرالیسم نه تنها فقر نسبی بیشتر شده، بلکه فقر مطلق در آمریکا سال ۱۹۷۶ میلادی ۹ درصد کل درآمد آمریکا را کسب کردند ولی بعد از آن با ترویج نئولیبرالیسم از سال ۱۹۷۶ تا ۲۰۱۲ میلادی ۲۴ درصد کل درآمد را کسب کردند، علاوه بر این سال ۲۰۰۷ میلادی ۸/۱ درصد از خانوارهای آمریکایی، ۲۲۰ برابر بیشتر از میانگین درآمد ۹۰ درصد جامعه درآمد کسب کردند، همچنین در حالی که سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۰۷ یک‌درصد جمعیت آمریکا ۶۵ درصد از کل درآمد آمریکا را کسب کردند که این رقم در ۳۰ سال پیش فقط ۱۲ درصد بود! بلکه سبب فقر مطلق نیز شده است، یعنی اندازه کبکی که به عموم مردم آمریکا رسیده، کوچک‌تر شده است، زیرا با احتساب

نئولیبرالیسم و نابرابری

امید رامز

یک‌درصد از جمعیت جهان رفته است. در حالی که ۳/۷ میلیارد نفر از جمعیت جهان که شامل نیمی از جمعیت جهان و البته فقیرترین آنهاست، هیچ افزایشی را در ثروت خود تجربه نکرده‌اند، ۲۲ نفر معادل نیمی از جمعیت جهان ثروت دارند. این عدد در سال ۲۰۱۶، شامل ۶۱ نفر می‌شده است. فقط با مالیات ۱/۵ درصد ثروتمند جهان، می‌توان همه کودکان جهان را به مدرسه فرستاد و ...

چهارم - مطابق گزارش نشریه فوربس، درآمد یک درصد ثروتمند آمریکا از سال ۱۹۷۹ (شروع سیاست‌های نئولیبرالیسم) تا سال ۲۰۰۹ میلادی ۳۹۰ درصد افزایش داشته، این در حالی است که درآمد ۹۰ درصد مردم در همین مدت فقط ۵ درصد افزایش داشته است.

پنجم - با گذشت چند سال از جنبش ۹۹ درصدی وال استریت، نگاهی به آنچه در یک سال گذشته در آمریکا و اروپا (فرانسه، هلند، آلمان و...) گذشته است، نتایج مهمی به دست می‌دهد که نشان می‌دهد کسر قابل توجهی از مردم از وضعیت خود و گسترش نابرابری عصبانی بوده‌اند؛ به همین دلیل شاهد زوال جریان‌های غالب سیاسی و ظهور گروه‌های مخالف نئولیبرالیسم و جهانی‌سازی اقتصاد بودیم.

غیر قابل انکار است که دونالد ترامپ با شعارهای ضدنئولیبرالی و تمرکز بر اقتصاد ملی به قدرت رسید. چاب اوراق قرضه و افزایش همزمان نرخ بهره جهت افزایش جذابیت سرمایه‌گذاری خارجی در آمریکا و رونق تولید داخلی، خروج از بیمان پاریس که بر فعالیت‌های صنعتی تأثیر منفی می‌گذارد، نقض نسبی قوانین تجارت آزاد و افزایش تعرفه‌های گمرکی برای حمایت از تولید داخلی، احداث دیوار در مرز مکزیک برای جلوگیری از مهاجرت مکزیک‌ها و حمایت از نیروی کار داخلی آمریکا توسط دولت این کشور را باید در همین راستا بدانیم.

در هلند نیز با وجود انتخاب شدن «وینلدرز»، ظهور او با تعداد آرای زیاد از علائم ضدنئولیبرالی بود. در فرانسه نیز «لوپن» که فاصله زیادی با انتخاب شدن به ریاست جمهوری نداشت، صراحتا خود را مخالف جهانی‌سازی می‌دانست. «بریکزیت» و خروج انگلستان از اتحادیه اروپایی را نیز می‌توان در همین راستا تفسیر کرد.

ششم - برخلاف نظر منتقدان آمریکایی نئولیبرالیسم و آمار و ارقام موجود از گسترش ناعدالتی در جهان، اصلی‌ترین تصمیم‌سازان و سیاست‌گذاران اقتصادی در داخل کشور، همچنان بر لزوم ایجاد نظام اقتصادی مبتنی بر نئولیبرالیسم، تأکید ورزیده و در این راستا حتی عدالت اقتصادی

اجتماعی را نیز غیر قابل توجیه و در تناقض با بازار آزاد و مانع توسعه می‌دانند. به طور مثال آقای «موسی غنی‌نژاد» از مشاوران اقتصادی دولت و از مریدان «فون هایک» (نظریه‌پرداز نئولیبرالیسم معادل نیمی از موثرترین بر نظریات میلتون فریدمن)، در این باره تعبیر «سراب عدالت اجتماعی» را به کار می‌برد. به تعبیر او توسعه با عدالت اجتماعی، قابل جمع نیست و فقر نسبی و افزایش فاصله طبقاتی از نتایج ناگزیر توسعه است.

غنی‌نژاد در کتاب «معرفش‌شناسی علم اقتصاد» می‌نویسد: «آرمان‌خواهی؛ عدالت اجتماعی، توزیع درآمد و ثروت در سطح کل افراد اجتماع را در نظر دارد و ناچار با نظام اقتصادی تداخل پیدا می‌کند. منطق توزیعی عدالت اجتماعی، عملکرد خنثی و بی‌طرفانه!» (نظم بازار را بر نمی‌تابد).

ایشان البته در اظهاراتی متناقض با متن بالا در شماره ۲۱۰ هفته‌نامه تجارت فردا، بهمن ۹۵، بیان می‌کنند: «بناشت ثروت‌های نامشروع و ناموجه در اقتصادهای آزاد رقابتی وجود ندارد و بسیار اندک است!» غنی‌نژاد در جایی دیگر ضمن توهین به منتقدان نئولیبرالیسم، آنها را متصف به بیماری «پارانویا» می‌کند. او ادعا می‌کند اعتراض مردم به جنبش وال استریت، صرفا اعتراض به بحران مسکن بوده است، نه نئولیبرالیسم، این در حالی است که پلاکاردهای در دست مردم خلاف ادعای او را اثبات می‌کند. ضمن اینکه این جنبش در بخش معرفی سایت خود آورده است: «ما ۹۹ درصد هستیم که از خانه‌های خود بیرون رانده شدیم، ما از خدمات درمانی مطلوب محروم بوده‌ایم، ما از آلودگی محیط‌زیست رنج می‌بریم، ما ساعات طولانی را برای مقدار اندکی دستمزد و بدون بهره‌مندی از حقوق قانونی خود سخت کار می‌کنیم، البته اگر بتوانیم کاری پیدا کنیم، در حالی که یک‌درصد از همه چیز برخوردارند.»

هفتم - خط مشی اقتصادی دولت بر همگان مشخص است. دولت یازدهم و دوازدهم و تیم

اقتصادی آن شدیداً به مکتب نئوکلاسیک و مبانی نئولیبرالیسم پایبندند. آنها در حال ریل‌گذاری مسیری هستند که کشورهای توسعه یافته در حال بازگشت از آن هستند؛ اولا اصرار بر استفاده از مدل‌های اقتصادی منسوخ که جواب خود را پس داده‌اند، دارند. فراموش نکنیم رشد خیره‌کننده بدهی آمریکا، ژاپن و سایر کشورها که در حال حاضر مجموع رقم آن بیش از ۶۰ هزار میلیارد دلار است، از دهه ۸۰ میلادی و پس از شیوع نئولیبرالیسم و رایج شدن بازار بدهی و استفاده از اوراق قرضه دولتی اتفاق افتاده است. در حال حاضر رقم بدهی خارجی آمریکا به تنهایی بیش از ۲۱ هزار میلیارد دلار است. این رقم برای ژاپن حدود ۱۳ هزار میلیارد است. هر دو کشور بسیار بیشتر از تولید ناخالص داخلی خود بدهکار هستند. بدهی خارجی ژاپن بیش از ۲/۵ برابر GDP این کشور است. درباره آمریکا این رقم تقریباً ۱/۱۳ است، بنابراین اغراق نیست اگر این کشورها را ورشکسته بدانیم. ثانيا اصرار بر استفاده از دلار در مبادلات، در حالی که بسیاری از کشورهای در حال توسعه برای حذف دلار از مبادلات‌شان، پیمان پولی دوجانبه و چندجانبه ترتیب می‌بندند، دارند. ثالثا اصرار بر تجسرات آزاد دارند؛ بدون برنامه‌ریزی مدون جهت حمایت از صنایع و خدمات داخلی، در حالی که در کشور غالباً تولید ملی قابل رقابت با برندهای قدرتمند وجود ندارد و باز کردن مرزهای کشور براحتی کمر اقتصاد کشور را خواهد شکست. رابعا به نقش حداقلی برای دولت قائلند؛ در حالی که ۸۰ درصد تولید ناخالص داخلی و کلا اقتصاد کشور در دست دولت است. خامسا رشد نابرابری در سال‌های اخیر در کشور؛ ضریب جینی که در دولت اسبق (بهرغم ضعف‌های اقتصادی غیر قابل انکار) کاهش یافته بود، در دولت سابق دوباره روند صعودی را پیش گرفته است و به عدد یک نزدیک‌تر شده است. این یعنی نابرابری در کشور بیشتر شده است. این عوامل حتی بدون توجه به سایر شاخص‌های اقتصادی نیز نشان می‌دهد دولت روند اقتصادی مناسبی را طی نمی‌کند. در این شرایط برخلاف نمایش دولت، سخن از اقتصاد مقاومتی نیز مضحک به نظر می‌رسد.

ادامه در صفحه ۵

بازگشت همه به سوی اوست

همکار گرامی جناب آقای علی البرزی

مصیبت وارده را به جنابعالی تسلیت عرض نموده برای آن مرومه غفران و آرزوی و برای شما و خانواده محترم صبر و اجر از درگاه حضرت احدیت مسألت داریم

وطن امروز

سلام وطن

۶۶۴۱۳۹۴۲